

The Presence of Türkiye in Central Asia and Its Consequences for Iran

Arash Reisinezhad

Visiting Fellow, London School of Economics and Political Science,
London, England

Mohammad Hadi Khanmohammadi¹

M.A. in International Relations, Faculty of Law and Political Sciences,
University of Tehran, Tehran, Iran

(Date received: 5 January 2024 - Date approved: 3 July 2024)

Abstract:

Introduction: Middle Asia or Central Asia is a vast land with a long history in the heart of the Asian continent. Due to the vast resources available in Central Asia, this region has become a place for global and regional powers to compete. Türkiye is no exception to this rule. This country has made many efforts to expand its presence in the region in the last three decades. In recent years, especially after 2016, this presence was not without a plan and out of excitement, but in a clear frame of mind and with necessary credits, Türkiye has tried to create a stable and effective presence in the region. The presence of regional powers in Central Asia is not limited to Türkiye. Due to many common cultural features with the countries of the region and its special geographical location, Iran has always made a continuous effort to be present in Central Asia. Considering the complex relations and historical rivalry of the two countries, the efforts of each cannot be without influencing the other.

Research question: The main question that we intend to answer in this study is the impact of Türkiye's presence in Central Asia on Iran and what is the mechanism of these consequences?

¹ E-mail: kxanmohammadi23@ut.ac.ir (Corresponding Author)

Research hypothesis: Based on this new reading of geopolitics, it is possible to hypothesize that the presence of Türkiye in Central Asia will lead to the removal of Iran from the transit and energy corridors of the region, as well as the threat to the territorial integrity of Iran due to the expansion of Pan-Turkism.

Methodology and theoretical framework: The analysis of this article is based on the trend impact analysis method. The process is called regular and continuous transformations of data over time. In this method, the process is affected by a sequence of events, and by events we mean significant events that may play an important role in shaping the future. The theoretical framework of this article is based on the three-level reading of the international system along with geopolitical factors. This new reading of geopolitics is taken from the opinion of Mohiuddin Mesbahi in the article "free and restricted: Iran and the international system". Our question can also be put in this new format and reading.

Results and discussion: In this research, we have looked for the consequences of Türkiye's presence in Central Asia on Iran. After raising our question, we reviewed previous research to find an answer. Despite addressing the presence of these countries in the region in some articles, no specific research has been done regarding the consequences of Türkiye's presence in Central Asia on Iran. Therefore, we turned to theories to find our answer, and for this purpose. Then we tried to find the answer to our question by using the "trend research" method. For this purpose, we examined Türkiye's presence in the region in the last three decades.

Türkiye's emotional presence in the nineties failed and the efforts of Erdogan's government centered on the opinions of Ahmet Davutoglu's were not very successful, but after the 2016 coup and internal and external changes, a new era emerged in the relations between Turkey and the region. In the following, we examined Iran's presence in the region and finally addressed our main issue, which is the consequences of Türkiye's presence in the region on Iran. Türkiye's presence in Central Asia at all three domestic, regional and international levels has consequences for Iran in the region in cultural,

economic and political-military fields. In the economic field, Türkiye will strengthen its infrastructure, and the capital will flow to Turkish projects instead of Iran. In addition, in the geopolitical or political-military field, bypassing Iran in two directions, east-west and north-south, both in the field of transit and in the field of energy, weakens Iran's strategic position and erodes its geopolitics. On the other hand, with the expansion of annexationist and pan-Turkish ideas in the direction of greater convergence with the region, in addition to threatening Iran's territorial integrity with Turkification of the space, it leaves no room for Iran's presence in the region.

Conclusion: Türkiye's presence in Central Asia at domestic, regional and international levels has consequences for Iran in the region in all three cultural, economic and political-military fields. In the economic field, Türkiye will strengthen its infrastructure by joining the Belt and Road Initiative and by bypassing Iran, in addition to using the advantages of the right of transit and by attracting Chinese capital, the country will strengthen its infrastructure, and the capital will flow to Turkish projects instead of Iran. In addition, in the geopolitical or political-military field, bypassing Iran in two directions, east-west and north-south, both in the field of transit and in the field of energy, weakens Iran's strategic position and erodes its geopolitics. On the other hand, with the expansion of annexationist and pan-Turkish ideas in the direction of greater convergence with the region, in addition to threatening Iran's territorial integrity with Turkification of the space, it leaves no room for Iran's presence in the region.

Key Words:

Transit, Geopolitics, Central Asia, Turkey, Iran

حضور ترکیه در آسیای مرکزی و پیامدهای آن برای ایران

آرش رئیسی‌نژاد

پژوهشگر، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن، لندن، انگلستان

محمدهادی خان‌محمدی^۱

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳)

چکیده

با استقلال کشورهای آسیای مرکزی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، از جمله ترکیه و ایران تلاش بسیاری برای حضور در منطقه انجام داده‌اند، که با توجه به روابط پیچیده و رقابت تاریخی دو کشور، تلاش هر یک نمی‌تواند بدون تاثیر بر دیگری باشد. پرسشی که در این پژوهش مطرح شده این است که حضور ترکیه در آسیای مرکزی چه پیامدهای برای ایران دارد؟ در این نوشتار پس از بررسی پیشینه پژوهش، تلاش کردیم با استفاده از خوانش‌های نوین ژئوپلیتیک به عنوان مبانی نظری و روش روندپژوهی پرسش خود را پاسخ دهیم. بر این اساس فرضیه‌ای را در نظر گرفتیم که بر پایه آن حضور ترکیه در آسیای مرکزی به حذف ایران از راه‌گذرهای کالا و انرژی منطقه و همچنین تهدید یکپارچگی سرزمینی ایران به دلیل گسترش پان‌ترک‌گرایی می‌شود. در همین زمینه پس از بررسی حضور ترکیه در منطقه در سه دهه گذشته، پیامدهای حضور این کشور بر ایران را در هر سه حوزه اقتصادی، سیاسی - نظامی و فرهنگی بررسی کرده و بر اساس آن نتیجه گرفتیم که در حوزه اقتصادی و سیاسی - نظامی، پیامد حضور ترکیه برای ایران، شامل حذف این کشور از طرح‌های انتقال کالا و انرژی آینده و همچنین فرسایش ژئوپلیتیک ایران است. در حوزه فرهنگی نیز گسترش پان‌ترک‌گرایی به دنبال حضور ترکیه در منطقه، می‌تواند علاوه بر تهدید یکپارچگی سرزمینی ایران، سبب دوری کشورهای منطقه از ایران شود.

واژگان اصلی: انتقال کالا، ژئوپلیتیک، آسیای مرکزی، ایران، ترکیه.

مقدمه

آسیای مرکزی سرزمینی پهناور و با پیشینه بلند تاریخی در قلب قاره آسیا است. با وجود اینکه هیچ‌گاه مرزهای دقیقی برای این منطقه در نظر گرفته نشده است، از کشورهای تاجیکستان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان به‌عنوان پنج کشور آسیای مرکزی یاد می‌کنند. این منطقه در گذشته به‌دلیل موقعیت جغرافیایی خود همواره محل تاخت‌وتاز امپراتوری‌های بزرگ بوده است و امروز نیز با توجه به منابع گسترده موجود در آن، محلی برای رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای شده است. بسیاری از کشورها، دسترسی و نفوذ در آسیای مرکزی را کلید تبدیل شدن به یک قدرت مؤثر جهانی می‌دانند.

ترکیه نیز از این قاعده جدا نیست. این کشور در سه دهه گذشته برای گسترش حضور خود در منطقه بسیار تلاش کرده است. اما در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۶ این حضور برخلاف دهه ۱۹۹۰ بدون برنامه و از روی هیجان نیست، بلکه در چارچوب فکری مشخص و با سرمایه‌های لازم تلاش کرده است، جایگاهی پایدار و مؤثر در منطقه ایجاد کند. نزدیکی اردوغان به ملی‌گرایان ترک نیز علاوه بر فعالیت‌های ترکیه در آسیای مرکزی را بیشتر کرده است. اما حضور قدرت‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی فقط محدود به ترکیه نیست. ایران نیز با توجه به ویژگی‌های مشترک فرهنگی بسیار با کشورهای منطقه و موقعیت جغرافیایی ویژه خود، همواره برای حضور در آسیای مرکزی تلاش کرده است. اما ترس کشورهای منطقه از اسلام سیاسی که ایران به‌نوعی آن را نمایندگی می‌کند و ضعف دیپلماسی کشور، سبب شده است حضور تهران در منطقه، حتی با وجود استفاده از اشتراک‌های فرهنگی، چندان دوام نداشته باشد. تمرکز ایران بر مرزهای غربی خود، نشان‌دهنده بی‌اهمیتی آسیای مرکزی و مرزهای شرقی و شمال شرقی نیست. به‌ویژه در سال‌های اخیر، اهمیت این مناطق، با توجه به موضوع انتقال منابع و انرژی آسیای مرکزی به غرب و ابتکار «یک کمربند و یک راه» چین و تلاش ایران برای پیوستن به این ابرطرح و نیز حضور رو به افزایش قدرت‌های جهانی و رقیبان منطقه‌ای به‌ویژه ترکیه دو چندان شده است.

ساختار این نوشتار این‌گونه است که ابتدا پیشینه پژوهش و آثار موجود در مورد این موضوع را بررسی می‌کنیم. مبانی نظری استفاده‌شده برای این نوشتار بر خوانش نوینی از ژئوپلیتیک استوار است. روش پژوهشی که در این نوشتار از آن استفاده می‌کنیم روندپژوهی است. در این نوشتار به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که حضور ترکیه در آسیای مرکزی برای ایران چه پیامدهایی دارد؟ و سازوکار این پیامدها چگونه است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که حضور ترکیه در آسیای مرکزی به حذف ایران از راه‌گذرهای کالا و انرژی منطقه و تهدید یکپارچگی سرزمینی ایران به‌دلیل گسترش پان‌ترک‌گرایی منجر می‌شود. سرانجام به جمع‌بندی و نتیجه‌یافته‌های خود می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش

در سال‌های گذشته، آسیای مرکزی و حضور قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در آن، بحث‌برانگیز بوده است، اما آثار چندانی در مورد حضور ایران و ترکیه در آن موجود نیست. همچنین آثاری که پیامدهای حضور ترکیه بر ایران را بررسی کند، نایاب است. آثار محدودی که در آن‌ها هرچند به‌طور کلی به موضوع این نوشتار پرداخته شده است می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول آثار مربوط به حضور ترکیه در منطقه است که چند نمونه را بیان می‌کنیم. کوالسکی^۱ (۲۰۱۰) در مقاله «آسیای مرکزی و تأثیر منطقه‌ای کنشگران بین‌المللی» حضور ترکیه در آسیای مرکزی در دهه ۱۹۹۰ را بررسی کرده است. کاگابتای (۲۰۱۸)^۲ در کتاب «امپراتوری اردوغان» حضور ترکیه در منطقه از سال ۲۰۱۶ به بعد را بیان کرده است. آران (۲۰۱۱) در کتاب «سیاست خارجی ترکیه: الگوها، اسناد و تفسیرها جلد دوم» حضور ترکیه و تلاش‌های این کشور برای نفوذ در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را بررسی کرده است. داوود اوغلو (۲۰۰۱) وزیر خارجه پیشین ترکیه در کتاب «عمق راهبردی: موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی» در مورد حضور ترکیه در دهه ۱۹۹۰ و کمبود و کاستی‌های آن سخن گفته است. هانتز (۲۰۰۱) در مقاله «ترکیه، آسیای مرکزی و قفقاز: ده سال پس از استقلال»^۳ حضور ترکیه در منطقه در دهه ۱۹۹۰ را بررسی کرده است. کاسیمیریس^۴ (۲۰۱۰) در مقاله «گزینه‌های سیاست خارجی ترکیه: اروپا، آمریکا یا آسیای مرکزی؟» سیاست خارجی ترکیه و فرصت‌های این کشور در آسیای مرکزی را بیان کرده است. «جمهوری‌های ترک از زمان استقلال: به سوی آینده‌ای مشترک» اثر دیگر داوود اوغلو (۲۰۰۹) است که به فرصت‌های همکاری آینده بین ترکیه و کشورهای منطقه می‌پردازد. ارشن^۵ (۲۰۲۲) در مقاله «ترکیه و یکپارچه‌سازی در اوراسیا: ایدئولوژی یا عمل‌گرایی» بنیان‌های حضور ترکیه در سراسر اوراسیا به‌ویژه آسیای مرکزی را بررسی کرده است. سونمز^۶ (۲۰۲۱) در مقاله «امنیت انرژی اوراسیا در رویارویی با تنش‌های روسیه و اوکراین و نقش ترکیه به‌عنوان مرکز انرژی بالقوه» تلاش‌های ترکیه برای تبدیل شدن به هاب انرژی در سراسر اوراسیا با همکاری با کشورهای آسیای مرکزی را بیان می‌کند. مقاله‌های «تجارت خارجی ترکیه با قزاقستان» و «روابط ترکیه و ازبکستان: دوستی و همکاری راهبردی ترکیه» از کوریشژان و آلتیناش^۷ (۲۰۲۲) و حمزه اوغلو^۱ (۲۰۲۲) نیز روابط دوجانبه ترکیه با کشورهای منطقه را بررسی می‌کنند.

^۱ Emilian Raychev Kavalski

^۲ Soner Cagaptay

^۳ Turkey, Central Asia, and the Caucasus: Ten years after independence

^۴ kassimeris

^۵ Erşnn

^۶ Sonmez

^۷ uu ryshzhnn, LL TITT AŞ

دسته دوم آثار، در مورد حضور ایران در منطقه است. از این دسته چند نمونه را بیان می‌کنیم. مقاله‌های مصباحی (۲۰۰۴) با عنوان «ایران و آسیای مرکزی: پارادایم و سیاست» و «تاجیکستان، ایران و سیاست بین‌المللی عامل اسلامی»، مقاله مرادی (۲۰۱۱) با عنوان «جاه‌طلبی‌های ایران برای برتری منطقه‌ای: قدرت‌های بزرگ، ژئوپلیتیک و منابع انرژی» نیز در مورد موقعیت ایران و فرصت‌هایی است که می‌تواند در آسیای مرکزی داشته باشد. احمدی و نورعلی (۲۰۲۲) در مقاله «تحلیل نقش ژئوپلیتیکی ایران در راه‌گذرهای بین‌المللی» نقش ایران در راه‌گذرهای آینده را بررسی می‌کنند. کرمی و سلاح ورزی‌زاده (۲۰۲۳) در مقاله «تحلیل روند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ازبکستان؛ پیشران‌ها، راهبردها و سناریوها» روابط دوجانبه ایران با منطقه را بیان می‌کنند. کولایی و باقری (۲۰۲۳) در مقاله «چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی» رقابت فرهنگی دو کشور در منطقه را می‌کاوند. شایان و بصیری (۲۰۲۲) در مقاله «تحلیل روابط انرژی میان ایران، ترکمنستان و ترکیه از دیدگاه منطقه‌گرایی» موضوع انرژی میان دو کشور را تحلیل می‌کنند. ابراهیمی، نواختی مقدم و اصولی (۲۰۲۰) در مقاله «عامل‌های تعیین‌کننده روابط ایران با منطقه آسیای مرکزی از دیدگاه اقتصاد سیاسی (مطالعه موردی: ترکمنستان و تاجیکستان)» روابط اقتصادی ایران با کشورهای منطقه را بررسی می‌کنند. رئیسی‌نژاد و خان‌محمدی (۲۰۲۳) در مقاله «آیین وطن آبی ترکیه و پیامدهای آن برای ایران» رقابت ایران و ترکیه در دیگر مناطق را بیان می‌کنند. همان‌طور که گفته شد این آثار به پرسش مطرح‌شده پاسخی نمی‌دهند و فقط حضور ترکیه و ایران در منطقه را بررسی می‌کنند.

مبانی نظری

چارچوب نظری این نوشتار بر خوانشی سه حوزه‌ای و سه سطحی از سیستم بین‌الملل همراه با عامل‌های ژئوپلیتیکی استوار است. این خوانش نوین از ژئوپلیتیک برگرفته از نظر محی‌الدین مصباحی در مقاله «آزاد و محدود: ایران و نظام بین‌الملل» است که از سه حوزه به‌طور کامل مرتبط و درهم‌تنیده و متمایز ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر تشکیل می‌شود. ژئوپلیتیک در پی تحلیل تأثیرهای جغرافیا بر سیاست است و در مورد چگونگی تأثیر عامل‌های جغرافیایی بر روابط میان دولت‌ها و تلاش برای سلطه جهانی است (Foster, 2006). این دیدگاه، چارچوب نیرومندی برای تحلیل فراهم می‌کند. این چارچوب، دیدگاهی سه‌گانه از سیستم بین‌الملل را «با سه ساختار متمایز سیاسی نظامی، هنجاری اجتماعی و اقتصادی» ارائه می‌دهد (Mesbahi, 2011: 10-15).

پرسش ما نیز می‌تواند در قالب این نظریه و خوانشی جدید شکل بگیرد. بر اساس این خوانش

¹. AAMZAOĞLU

نوبین از ژئوپلیتیک، فرضیه را این‌گونه مطرح می‌کنیم که حضور ترکیه در آسیای مرکزی به حذف ایران از راه‌گذرهای حمل و نقل و انرژی منطقه و تهدید یکپارچگی ایران به دلیل گسترش پان‌ترک‌گرایی منجر می‌شود.

روش پژوهش و روند پژوهی

روش‌شناسی هر پژوهش از بخش‌های بنیادی آن به‌شمار می‌رود. تحلیل نوشته پیش‌رو بر روش روندپژوهی^۱ استوار است. روند به دگرگونی‌های منظم و پیوسته داده‌ها در بستر زمان گفته می‌شود. این روش را نخستین بار تئودور جی گوردن^۲ در نیمه دهه ۱۹۹۰ مطرح کرد (Gordon, 1994: 1-21). روندها زنجیره مستمر رویدادها هستند که هم وضعیت کنونی را مشخص می‌کنند و هم از موقعیت‌های احتمالی آینده خبر می‌دهند (Gordon, 1994: 1-21). روندپژوهی به جهت‌دهی داده‌های خام و پردازش و شناخت روابط میان آن‌ها اشاره می‌کند. مهم‌ترین این داده‌های خام، رخدادها هستند که سویه مقدماتی روندها را نشان می‌دهند. این روش مناسب‌ترین روش برای تحلیل پیامدهای حضور ترکیه در آسیای مرکزی بر ایران است.

حضور ترکیه در آسیای مرکزی

در سال ۱۹۲۱ و اندکی پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، انورپاشا^۳ یکی از سه رهبر اصلی ترکان جوان برای به‌دست‌آوردن عنوان امیر ترکستان وارد آسیای مرکزی شد (LANDAU, 1995: 29-60). با وجود اینکه وی کشته شد، افسانه نبردهای وی به داستان مورد علاقه ترک‌تباران تبدیل شد. همچنین شاعران بخارایی در وصف او شعرهای بسیاری سرودند. می‌توان داستان انور پاشا را اولین تلاش ترک‌ها برای حضور در سرزمین‌های آسیای مرکزی در نظر گرفت. تلاشی که با هدف بازیابی شکوه گذشته امپراتوری عثمانی و تضعیف دشمن اصلی یعنی روسیه انجام می‌شد. اما در آناتولی شرایط متفاوت بود. میراث آناتورک مبنی بر بی‌طرفی در درگیری‌های بین‌المللی و دخالت‌نکردن و ماجراجویی در امور دیگر کشورها، مخالف با ایده‌های پیوسته‌سازی‌گرایانه پان‌ترکی و گسترش‌طلبی در آسیای مرکزی بود. در نتیجه، جمهوری ترکیه به حضور در منطقه تمایل زیادی نشان نمی‌داد. شروع جنگ سرد و پیوستن ترکیه به ناتو نیز به احتیاط ترک‌ها در این رابطه افزود. ترکیه بیشتر به غرب و سیاست‌گذاری در قالب ناتو علاقه داشت. حتی با وجود زمزمه‌هایی مبنی بر فروپاشی اتحاد شوروی از سال ۱۹۸۹ نیز ترکیه پیش از استقلال قطعی این کشورها در برقراری روابط با آن‌ها رفتار محتاطانه‌ای در پیش گرفت. حتی در سفر ۵ تا ۱۰ ژانویه ۱۹۹۰ رئیس‌جمهور آذربایجان

1. Trend Impact Analysis

2. Theodore J Gordon

3. Envrr Paaa

به ترکیه، اوزال^۱ مشکلات جمهوری آذربایجان را مشکلات داخلی شوروی دانست (Mustafa 5-10: 2004 yy dnn).

اما با استقلال این کشورها شرایط تغییر کرد. سیل دیپلمات‌ها و بازرگانان ترک راهی منطقه شدند و طرح‌های سیاسی اقتصادی و فرهنگی بسیاری مطرح شد. نشست کشورهای ترک از سال ۱۹۹۲ آغاز به کار کرد و ترکیه طرح‌هایی همچون نوشتن کتاب تاریخ مشترک، ایجاد زبان مشترک و «طرح بزرگ دانش‌آموزی» را در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ مطرح کرد. اگزیم بانک^۲ ترکیه با هدف گسترش روابط اقتصادی با کشورهای منطقه در سال ۱۹۹۲ آغاز به کار کرد و اعتبارهایی را در اختیار کشورهای منطقه قرار داد (Oran, 2013: 99-160). در سطح جهانی، ترکیه کوشید با حضور خود در منطقه به‌عنوان یک عضو ناتو و تأکید بر اشتراک‌های فرهنگی با مردم آسیای مرکزی خود را به‌عنوان نماینده این پیمان در منطقه مطرح کند و جایگاه در خطر خود در ناتو، ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی را بازگرداند. ترکیه در سطح منطقه‌ای نیز به‌دنبال خروج از چندین دهه انزوای خود از راه ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی بود. در سطح داخلی تأکید بر هویت ترکی در ارتباط با کشورهای منطقه، می‌توانست به یک‌دست شدن جامعه ترک به‌ویژه در دهه ۱۹۹۰ کمک کند که با مشکلات بسیاری روبه‌رو بود. اما این هیجان‌ها به‌زودی به پایان رسید. نشست سران ترک که قرار بود، الگویی از اتحادیه عرب یا کشورهای هم‌سود باشد، به‌زودی به نهادی بی‌مصرف تبدیل شد. «طرح بزرگ دانش‌آموزی» نیز براساس آمار وزارت آموزش ملی، موفقیتش کمتر از ۵۰ درصد بود (Oran, 2013: 99-160). شایان توجه است که ترکیه در دهه ۱۹۹۰ با مشکلات فراوانی اقتصادی روبه‌رو بود، بنابراین توان تأمین اعتبارهای لازم برای سرمایه‌گذاری در منطقه را نداشت. از سویی، ترکیه برای این منطقه سیاستی یکپارچه را در نظر داشت و تصویری نداشت از تفاوت‌هایی که ممکن بود کشورهای آسیای مرکزی داشته باشند. در صورتی که کشورهای منطقه بیشتر به ساخت هویت ملی خود علاقه داشتند تا قرارگرفتن زیر چتر برادر بزرگ‌تر ترک، آن‌هم پس از سال‌ها پذیرش سلطه پدر روسی. در نتیجه، حضور هیجانی و نوستالژیک و بدون قاعده ترکیه در آسیای مرکزی با شکست روبه‌رو شد.

دوران حزب عدالت و توسعه

حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان^۳ توانست در انتخابات سال ۲۰۰۲ و با شگفتی، بیشترین رأی ممکن را به‌دست آورد و به تنهایی دولت را تشکیل دهد. اجرای اصلاحات گسترده در ترکیه سبب بهبود شاخص‌های اقتصادی و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی

1. Turgü Özal

2. Exim Bank

3. Recep TyyppErdoğnn

شد و تحسین همگان را برانگیخت. سیاست خارجی ترکیه در این دوره، زیر سایه آیین عمق راهبردی احمد داوود اوغلو^۱، مشاور اردوغان و بعدها وزیر خارجه ترکیه قرار گرفت. از نظر وی، ترکیه جایگاهی استثنایی دارد. این کشور با توجه به دسترسی به چهار دریا، کشوری خاورمیانه‌ای، قفقازی و غربی است که به آسیا، اروپا و حتی شمال آفریقا دسترسی مستقیم دارد. بنابراین ترکیه باید با یک دیپلماسی موزون مرکزیت، نفوذ و عمق راهبردی خود را در حوزه‌های تاریخی خود از خاورمیانه و بالکان تا آسیای مرکزی و اروپا گسترش دهد. اما تمرکز داوود اوغلو بر اجرای سیاست تنش صفر با همسایگان، آسیای مرکزی را به‌طور کلی از اولویت سیاست خارجی ترکیه کنار گذاشت. بی‌اعتمادی رهبران جمهوری‌های آسیای مرکزی به اسلام‌گرایان ترکیه نیز در این موضوع بی‌تأثیر نبود. ممکن بود تلاش برای ساخت تصویری مردم‌سالار و لیبرال از ترکیه با گسترش روابط با حاکمان آسیای مرکزی و سکوت در برابر سرکوب آن‌ها بی‌نتیجه شود. اما پیروزی دوباره حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۷ سبب شد ترک‌ها بتوانند با خیال راحت‌تری سیاست خارجی خود را پیش ببرند. اما این بار برخلاف دهه ۱۹۹۰ که هویت ترکی مبنای اصلی حضور ترکیه در منطقه بود بحث‌های اقتصادی، تجاری و انرژی به اولویت اول تبدیل شد (Golmohammadi, 2018: 202). روابط اقتصادی ترکیه با منطقه به‌طور چشمگیری گسترش یافت و حجم تجارت ترکیه در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ با تاجیکستان به دو برابر و با ترکمنستان به سه برابر افزایش یافت. این کشور در سال ۲۰۱۰ کمک مالی ۴۵۰ میلیون دلاری را در اختیار قرقیزستان گذاشت و با سرمایه‌گذاری در این کشور به پنجمین کشور سرمایه‌گذار در قرقیزستان تبدیل شد.

اهمیت حضور شرکت‌های ساخت‌وساز ترکیه در منطقه نیز شایان توجه است. تا آغاز سال ۲۰۱۱ این شرکت‌ها در ترکمنستان و ازبکستان ۲ میلیارد دلار و در قرقیزستان و تاجیکستان ۰٫۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کردند که با توجه به اقتصاد کوچک منطقه، رقم‌های چشمگیری است. اما مهم‌ترین هدف سرمایه‌گذاران ترک در منطقه قزاقستان بود که علاوه بر روابط تجاری، ترکیه مبلغ ۶٫۱ میلیارد دلار تا سال ۲۰۱۱ در این کشور سرمایه‌گذاری کرد. بازدید گردشگران آسیای مرکزی از ترکیه نیز به میزان قابل توجهی افزایش داشت تا جایی که در سال ۲۰۱۱، ۴۵۰ هزار نفر از مردم منطقه از ترکیه بازدید کردند (Balcer, 2012). در ۳ اکتبر ۲۰۰۹ نشست کشورهای ترک نیز با عنوان شورای ترک^۲ دوران جدیدی را آغاز کرد. نشست کشورهای ترک چیزی جز نشست‌های صادفانه با نیت همکاری نبود، اما شورای ترک با شکل‌دادن نهادهای مختلف برای گسترش همکاری‌ها بین کشورهای منطقه در همه حوزه‌ها فرصت بهتری داشت.

^۱. hh mtt vvv uoçlu

^۲. Turkic Council

به‌طور کلی می‌توان تلاش ترکیه برای حضور در منطقه را در این دوره در هر سه حوزه بررسی کرد. در حوزه سیاسی، نظامی و اقتصادی، ترکیه تلاش گسترده‌ای برای ایجاد خطوط لوله و راه‌گذرها و ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی به‌وسیله سرمایه‌گذاری و گسترش روابط اقتصادی انجام داد. فعالیت دوباره ترک سو و تشکیل کمیته‌های فرهنگی را نیز می‌توان در حوزه فرهنگی در نظر گرفت. ترکیه دیگر آن کشور ورشکسته دهه ۱۹۹۰ نبود. در سال ۲۰۰۹ با تولید ناخالص داخلی ۷۵۰ میلیاردی، آن‌هم بعد از یک بحران سنگین اقتصادی روزبه‌روز قدرتمندتر می‌شد. از نظر داخلی نیز ترکیه هر روز با یک کابینه جدید روبه‌رو نبود و حزب عدالت و توسعه قدرتی کامل داشت. حضور ترکیه مانند دهه ۱۹۹۰ هیجانی و با خلأ نظری نبود، بلکه این بار با برنامه‌ریزی مشخص و با زیرساخت‌های لازم، با رهبری احمد داووداوغلو به دنبال تحکیم نفوذ خود در منطقه و تثبیت موقعیت مرکزی موردنظر خود در جهان بود تا بدین‌وسیله بلندپروازی‌های خود را تحقق بخشد. اما در همین زمان بار دیگر طوفان رویدادهای منطقه را در تأثیر قرار داد و بهار عربی آغاز شد. ترکیه با تمام قوا وارد درگیری‌های منطقه شد. در نتیجه، روابط با آسیای مرکزی نیز با وجود عملکرد ادامه‌دار و قابل قبول سازمان‌های شکل گرفته و بازسازی شده، با وقفه روبه‌رو شد. با وجود این رابطه ترکیه با آسیای مرکزی در این دوره یعنی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ را می‌توان با فرازونشیب، اما موفق‌تر از دوره پیش یعنی دهه ۱۹۹۰ ارزیابی کرد.

تغییرهای پس از کودتای سال ۲۰۱۶

در سال ۲۰۱۶ ترکیه بار دیگر درگیر کودتا شد. فتح‌الله گولن^۱ متهم اصلی بود. وی که در دهه اول حکومت حزب عدالت و توسعه از متحدان اردوغان محسوب می‌شد و نقش مهمی در تثبیت قدرت حزب وی داشت. با حرکت اردوغان به سوی اقتدارگرایی، به‌ویژه پس از سومین پیروزی در سال ۲۰۱۱ وارد درگیری با متحد قدیمی خود شد. نفوذ گسترده وی در سیستم سیاسی ترکیه سرانجام به کودتا منجر شد. کودتایی که با شکست روبه‌رو شد. پس از شکست کودتا، شاهد پاک‌سازی گسترده در حوزه سیاسی ترکیه بودیم که دوران جدیدی را در این کشور آغاز می‌کرد. با حذف جریان گولن، اردوغان نیاز به متحدان جدیدی داشت. با شکست در انتخابات سال ۲۰۱۵ و ناتوانایی در تشکیل انفرادی دولت، این نیاز بیشتر احساس می‌شد. این بار اردوغان برای یافتن متحدان جدید تلاش کرد به ملی‌گرایان نزدیک شود. اولین گزینه حزب، حرکت ملی به رهبری باحچلی^۲ بود. این حزب ملی‌گرای افراطی در ۶۰ سال فعالیت خود، باورهای پان‌ترکی و پیوسته‌گرایانه و تا حدی ضدغربی داشته است. حرکت ملی با وجود

^۱. Fethullah Gülen

^۲. Devlet Bahçeli

اینکه هرگز نتوانسته بود اکثریتی در مجلس به دست آورد، با پایگاه هرچند اندک اما همیشگی خود همواره به‌عنوان گزینه‌ای مناسب برای ائتلاف با احزاب دیگر مطرح می‌شد.

دیگر ملی‌گرایانی که در این دوره به دولت نزدیک شدند، افراد نزدیک به حزب وطن به رهبری دوغو پرینچک^۱ بودند. پرینچک که در سال ۲۰۰۸ به همراهی تعدادی از افسران ارتش دستگیر شده بود با بالاگرفتن اختلاف‌های اردوغان و جریان گولن در سال ۲۰۱۴ آزاد شد و شروع به نزدیک شدن به دولت کرد. برخلاف باحچلی که طرفدار پیوسته‌سازی سرزمین‌های ترکی بود، پرینچک نزدیکی به چین، روسیه و حتی ایران و تشکیل یک ائتلاف ضدغربی را می‌پسندید. وی نفوذ گسترده‌ای در ارتش داشت. از نزدیکان او به‌عنوان اوراسیاگرایان یاد می‌شود که باورهای ملی‌گرایانه و چپ‌گرایانه دارند. تغییر اتحاد‌های داخلی به تغییرهایی در سیاست خارجی ترک‌ها منجر شد که افزایش حضور ترکیه در آسیای مرکزی یکی از آن‌ها بود. در این رابطه شاید بتوان سفر اردوغان به ازبکستان در سال ۲۰۱۶ را چرخشگاهی در نظر گرفت. اردوغان در این سفر پس از سال‌ها تیرگی روابط به همراه شوکت میرضیایف^۲ برای ادای احترام بر سر مزار اسلام کریم‌اف در سمرقند حاضر شد و تاج گلی بر سر مزار وی نهاد (Anadolu Agency, 2016). همچنین در این سفر اردوغان ازبکستان را به‌عنوان شریک با اولویت خود خطاب کرد (Hamzaoglu, 2022: 315-320). این سفر آغازی بر گسترش روابط دوجانبه بود. در سال ۲۰۱۸ در سفر دیگر اردوغان به ازبکستان، به نشانه‌ی نزدیکی بین دو کشور، توافق لغو روادید بسته شد. تجارت بین دو کشور از ۱،۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ به ۲،۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسید (Cagaptay, 2018).

قزاقستان دیگر کشوری بود که گسترش روابط ترکیه با آن را شاهد بوده‌ایم. توکایف^۳ رئیس‌جمهور قزاقستان در سفر به ترکیه اعلام کرد در سال‌های اخیر، ترکیه بیش از ۴،۵ میلیارد دلار در این کشور سرمایه‌گذاری کرده است (Astane Time, 2022). ترکیه رتبه ۶ در صادرات و رتبه ۷ واردات این کشور را در دست دارد و ۱۶۰ شرکت با سرمایه ۱۰۰ درصد ترکی در قزاقستان فعالیت می‌کنند. همکاری اقتصادی دو کشور بیشتر در زمینه انرژی، حمل‌ونقل، بهداشت، تأمین اجتماعی، پیمانکاری، مشاوره‌گرفتن و ورزش است. ترکیه دانشگاهی به نام احمد یسوی^۴ در قزاقستان تأسیس کرده است (Altintash and Kuryshzhan, 2022).

قزاقستان هم در سال‌های اخیر بارهای تسلیحاتی ترک، به‌ویژه پهپادهای بیرکدار^۵ را دریافت کرده است. ترکیه به‌وسیله بنیاد دیانت و با بودجه آن مسجد مرکزی امام سرخس در بیشکک را با حضور اردوغان افتتاح کرده است. مسجدی که به شیوه عثمانی ساخته شده است

1. oo ğu Prrnæek

2. Shavkat Mirziyoyev

3. Tokayev

4. Ahmed Yasawi

5. Bayraktar

(Alrmizan, 2022: 35). آنچه شاید اهمیت روابط ترکیه با منطقه پس از سال ۲۰۱۶ را دوچندان می‌کند، بحث روابط چندجانبه است که در مورد محور حمل و نقل و انرژی قرار می‌گیرد.

انرژی

بلندپروازی‌های ترکیه در زمینه انتقال انرژی از آسیای مرکزی به اروپا در دهه ۱۹۹۰ از روی کاغذ فراتر نرفت و به فراموشی سپرده شد. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه نیز ترکیه به جای بلندپروازی، تمام توجه خود را بر همسایه شرقی خود جمهوری آذربایجان و طرح‌های واقع‌گرایانه‌تر گذاشت. در همین زمینه و در سال ۲۰۰۶ خط لوله باکو، تفلیس و ارزروم^۱ افتتاح شد و گاز طبیعی از میدان گازی شاه دنیز و از مسیر گرجستان به ترکیه آمد. هم‌زمان طرح بزرگ ناباکو^۲ مطرح شد که می‌توانست ترکیه را به وسیله خط لوله و از مسیر بلغارستان به آلبانی، مجارستان و اتریش متصل کند. ایده خط لوله پارس برای انتقال گاز ایران و طرح بلندپروازانه وراخزر^۳ بار دیگر مطرح شد که می‌توانست گاز را مستقیم و از دریای خزر به جمهوری آذربایجان و به وسیله خط لوله باکو، تفلیس و ارزروم و به وسیله ناباکو به سراسر اروپا صادر کند. ترکیه از سال ۲۰۱۰ فقط به دنبال حمل و نقل نبود، بلکه به دنبال تبدیل شدن به هاب انرژی بود (Sonmez, 2020).

بنابر پیش‌بینی‌ها موانع بزرگی نیز پدید آمد. برنامه‌های ترکیه برای خط لوله پارس و صادرات گاز ایران با مانع تحریم‌ها و طرح وراخزر نیز با موانع مهمی مانند روسیه روبه‌رو شد. ناباکو نیز به دلیل نداشتن صرفه اقتصادی و نیاز به سرمایه‌گذاری بسیار منتفی شد. البته نباید کشمکش‌های ترکیه با غرب در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ را در این مسئله بی‌تأثیر دانست. اما این پایان کار نبود. روند رویدادها به سود ترکیه پیش می‌رفت. با آغاز بحران ۲۰۱۴ اوکراین و افزایش تنش‌ها در میان روسیه و غرب، بار دیگر بحث در رابطه با متنوع‌سازی منابع انرژی در اروپا داغ شد. در نتیجه، بلافاصله طرح جدیدی به نام وراآتولی^۴ یا تاناب در سال ۲۰۱۵ مطرح شد. این طرح سراسر ترکیه را در بر می‌گرفت و از شرق این کشور به سوی غرب می‌رفت. هم‌زمان با طرح تاناب، طرح دیگری نیز به نام وراآدریاتیک^۵ یا تاپ آغاز شد که خط لوله تاناب را از ترکیه به یونان، آلبانی و سرانجام به ایتالیا وصل می‌کرد. این طرح برخلاف ناباکو کم‌خرج‌تر بود و صرفه اقتصادی بیشتری داشت. سرعت پیشروی این طرح‌ها، نشان‌دهنده اراده ترکیه در رسیدن به هدف‌های خود در این زمینه و تثبیت گسترش اوراسیاگرایی در این کشور از سال ۲۰۱۶ است. طرح بزرگ تاناب در سال ۲۰۱۸ عملی شد و

1. Baku–Tbilisi–Erzurum

2. Nabucco

3. Trans-Caspian

4. Trans-Anatolian Natural Gas Pipeline

5. Trans Adriatic Pipeline

با تکمیل خط لوله تاپ در سال ۲۰۲۰، برای اولین بار گاز طبیعی از میدان شاه دنیز به ایتالیا رسید که موفقیت بزرگی برای ترکیه در این عرصه بود. اما منابع گازی نه چندان گسترده جمهوری آذربایجان نمی‌توانست ترکیه را به هاب انرژی تبدیل کند. بنابراین ترکیه برای رسیدن به هدف‌های خود چاره‌ای جز برگشتن به سوی آسیای مرکزی نداشت.

شرایط در این منطقه از گذشته نیز پیچیده‌تر بود. اصلی‌ترین کشور صادرکننده گاز منطقه یعنی ترکمنستان، بخش مهمی از صادرات خود را به سوی چین روانه می‌کرد و توان تولید و صادرات بیشتر بدون یک سرمایه‌گذاری بزرگ را نداشت. روس‌ها نیز ترجیح می‌دادند گاز منطقه بیشتر به سوی چین برود تا ترکیه (Petrosyan, 2022: 45-52). شرایط بار دیگر به سرعت تغییر کرد. پیروزی جمهوری آذربایجان در جنگ سال ۲۰۲۰ قره‌باغ با حمایت ترکیه، همبستگی در جهان ترکی را بیش از پیش افزایش داد. احساسات ترک‌گرایانه داخلی ناشی از نزدیکی حزب حاکم به حزب حرکت ملی نیز در این موضوع بی‌تأثیر نبود. شورای ترک در این مورد نقش مهمی داشت. این شورا در نوامبر ۲۰۲۱ به سازمان کشورهای ترک^۱ ارتقا یافت و نقش آن بیش از پیش اهمیت یافت (eeeeen, 2022: 110-115).

با حمله روسیه در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ به اوکراین شرایط مناسب‌تر شد. همچنین تحریم‌های شدید روسیه، تهدید این کشور به قطع صادرات گاز، بار دیگر ایده‌های مختلف برای تنوع در منابع گازی اروپا را مطرح کرد؛ اما این بار جدی‌تر از همیشه بود و بار دیگر بحث وراخزر شدت گرفت. در نتیجه، با توجه به نقش جدید این کشور و تهدیدهای روسیه در زمینه انرژی می‌توان این‌گونه تصور کرد که اروپا از وراخزر و صادرات گاز آسیای مرکزی از مسیر ترکیه حمایت سیاسی و اقتصادی لازم را خواهد کرد. در نتیجه، با تغییرهای ایجادشده در هر سه سطح بار دیگر فرصت صادرات گاز آسیای مرکزی از مسیر ترکیه به اروپا افزایش یافت. در سطح داخلی با افزایش هرچه بیشتر قدرت حزب حرکت ملی و ترکی شدن فضا، در سطح منطقه با جنگ قره‌باغ و تقویت ایده‌های پان‌ترکی و در سطح جهانی با جنگ اوکراین و حمایت از طرح‌های ترکیه. در همین رابطه اردوغان در نشست سه‌جانبه با رئیس‌جمهورهای ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در دسامبر ۲۰۲۲ اعلام کرد زمان انتقال گاز ترکمنستان به اروپا فرا رسیده است (dddogan calls oo aaa,,,,, 2022). با وجود این مسائل و امکان جلب حمایت سیاسی و اقتصادی برای طرح وراخزر، همچنان موانع بزرگی وجود دارد که رسیدن به این هدف را با وجود در دسترس بودن سخت می‌کند.

حمل و نقل

^۱. Organization of Turkic States

اما بخش دیگر اهمیت آسیای مرکزی برای ترکیه، موضوع حمل و نقل است. با مطرح شدن ابتکار یک کمربند و یک راه^۱ یا راه ابریشم نوین، بحث راه‌گذرها و مسیرهای حمل و نقل در سطح جهانی اهمیت قابل توجهی یافت. با توجه به گسترش نفوذ چین و افزایش قدرت اقتصادی آن، بسیاری از دولت‌ها تلاش کردند تا آینده خود را براساس این مسئله تعریف کنند یا دست‌کم آن را در اولویت سیاست خارجی خود قرار دهند. ترکیه نیز از این موضوع جدا نبود. راه ابریشم نوین از یک کمربند زمینی و جاده دریایی تشکیل شده است که کمربند زمینی از چین آغاز و از راه آسیای مرکزی یا از راه زمین و از شمال ایران یا جنوب روسیه یا از راه دریای خزر به ترکیه و به سواحل مدیترانه و اروپا می‌رود. در نتیجه، ترکیه نقش مهمی در این کمربند دارد. حتی می‌توان این‌گونه مطرح کرد که چین به‌نوعی در ابتکار خود به ترکیه وابسته است (Petrosyan, 202: 45-53).

ترکیه با دسترسی و تسلط هم‌زمان به دریای مدیترانه، دریای اژه، دریای مرمره و دریای سیاه موقعیتی ویژه دارد. بندرهای ترکیه علاوه بر ارتباط با شرق و جنوب اروپا به شمال و شرق آفریقا دسترسی دارند که این مهم، استثنایی بودن ژئوپلیتیک ترکیه را نشان می‌دهد که می‌تواند نقش مرکزی در هر طرح و راه‌گذر شرق به غرب یا حتی شمال به جنوب را داشته باشد. بنابراین سودای تبدیل شدن به هاب حمل و نقل و ایجاد راه‌گذر میانی^۲ توسط این کشور شگفت‌آور نیست. راه‌اندازی راه‌گذر میانی و تبدیل شدن به هاب حمل و نقل و یافتن موقعیت مرکزی در ابتکار چین، بدون گسترش روابط با آسیای مرکزی ممکن نیست. بر همین اساس و به‌ویژه با نزدیکی اردوغان به حزب حرکت ملی و گسترش باورهای پان‌ترکی و پیوسته‌گرایانه، شاهد گسترش روابط ترکیه با آسیای مرکزی بر مبنای هویت مشترک و با هدف اتصال ترکیه به منطقه بوده‌ایم.

در زمینه حمل و نقل، ترک‌ها در سال ۲۰۱۷ راه آهن باکو، تفلیس و قارص^۳ را گسترش دادند که می‌توانست بندر باکو را به‌وسیله خطوط آهن و از مسیر گرجستان به ترکیه متصل کند. ساخت این خط آهن به معنای تشکیل ضلع غربی راه‌گذر میانی بود. بر همین اساس، کالاهای به‌راحتی می‌توانست از مسیر خطوط آهن از چین و قزاقستان و از مسیر بندر قوریق^۴ این کشور به بندر باکو یا آلات^۵ منتقل شود. این راه‌گذر از باکو از مسیر خط آهن باکو، تفلیس و قارص به ترکیه و اروپا وصل می‌شود و به‌طور کلی راه‌گذر میانی این چنین اجرایی می‌شود. برای نخستین بار قطار صادراتی ترکیه در ۴ دسامبر ۲۰۲۰ از همین مسیر به‌سوی چین حرکت کرد و در ۱۹ دسامبر با عبور از دو قاره، دو دریا و پنج کشور به شهر شیآن رسید. راه‌گذر میانی

^۱. Belt and Road Initiative

^۲. middle corridor

^۳. The Railway Baku - Tbilisi - Kars

^۴. Kuryk

^۵. Alat

بدون عبور از ایران و از میان دریای خزر ممکن شد (2020, "1tt expott nnnmm")؛ اما مشکلی وجود داشت و آن مسیری بود که از باکو به ترکیه و با دورزدن ارمنستان پیموده می‌شد. در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ درگیری‌های گسترده بار دیگر در میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ آغاز شد که با پیروزی جمهوری آذربایجان به پایان رسید و بحث دالان زنگزور مطرح شد. این دالان که در میان فلات قره‌باغ با رشته کوه زنگزور قرار دارد، جمهوری آذربایجان را مستقیم به نخجوان و سپس ترکیه وصل می‌کند. در نتیجه، ترک‌ها دیگر نیازی به دورزدن ارمنستان و گذر از گرجستان یا حتی گذر از ایران نداشتند و مستقیم می‌توانستند آسیای مرکزی را به باکو و از راه نخجوان به ترکیه متصل کنند و راه‌گذر میانی را به راه‌گذر ترکی تبدیل کنند؛ اما این راه‌گذر با وجود تلاش‌های بسیار همچنان اجرایی نشده است و مخالفانی جدی در ایران و روسیه دارد. تحقق نیافتن زنگزور، به معنای پایان راه‌گذر میانی نیست، زیرا این راه‌گذر همچنان از مسیر راه‌آهن باکو، تفلیس و قارص به کار خود ادامه می‌دهد. ترکیه بسیار علاقه‌مند به طرح راه‌آهن و بزرگراه چین، قرقیزستان و ازبکستان است، زیرا می‌تواند تمام کشورهای ترک منطقه را به یکدیگر وصل کند. با این مسیر کشورهای قرقیزستان، ازبکستان و ترکمنستان به یکدیگر وصل می‌شوند که می‌توان با ارتباط دریایی بندر ترکمن‌باشی و باکو شاخه دیگری از این راه‌گذر میانی ایجاد کرد. شاید به همین دلیل است که ترکیه از گسترش بندر ترکمن‌باشی در سال ۲۰۱۹ با سرمایه‌های چینی استقبال کرد.

پیامدهای حضور ترکیه در آسیای مرکزی بر ایران

احمد داوود اوغلو در کتاب خود «عمق راهبردی: موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی» روابط ایران و ترکیه را از جهت‌هایی شبیه روابط آلمان و فرانسه می‌داند. او معتقد است «سرنوشت این دو کشور که روی یک خط سیاست جغرافیایی و فرهنگ جغرافیایی قرار دارند، به‌طور کلی از یکدیگر جدایی‌ناپذیر است و ترکیه و ایران نیز همانند آلمان و فرانسه به هیچ وجه نمی‌توانند از یکدیگر چشم‌پوشند» (aa vuoğuu 2001: 415 - 417). همین روابط ویژه دو کشور، سبب شده است تحركات‌های هر یک از آنها تأثیرهای قابل توجهی بر دیگری بگذارد. حضور ترکیه در آسیای مرکزی نیز نمی‌تواند از این امر جدا باشد.

همان‌طور که بیان شد، ترکیه همواره پس از استقلال آسیای مرکزی تلاش کرده است با تکیه و برجسته‌کردن هویت ترکی مشترک، نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد. تلاش ترکیه برای تثبیت راه‌گذر میانی از چین تا اروپا با گذر از آسیای مرکزی، دریای خزر و قفقاز جنوبی نیز بر کسی پوشیده نیست. همچنین ترکیه تلاش‌هایی برای انتقال انرژی منطقه به غرب از مسیر شبکه خط لوله یک‌پارچه خود نیز داشته است. اقدام‌هایی که بدون شک نمی‌تواند بدون پیامدهایی برای ایران باشد. به‌ویژه که ایران نیز ادعای نفوذ تاریخی و فرهنگی گسترده‌ای در منطقه دارد. با توجه به دسترسی داشتن به بندرهای بزرگ و فراهم‌کردن مسیر زمینی شرق به

غرب، موقعیت مناسبی برای انتقال انرژی منطقه به غرب و داشتن نقش کشور هاب حمل و نقل را دارد. به طور کلی می‌توان حضور ترکیه در منطقه را برای ایران با پیامدهایی در هر سه حوزه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نظامی دانست که به آن بپردازیم.

حوزه فرهنگی

ایران با منطقه پیوندهای گسترده فرهنگی دارد. موقعیت جغرافیایی ایران که در همسایگی آسیای مرکزی قرار دارد ارتباط این کشور با این منطقه را ناگزیر کرده و ایران همواره روابط فرهنگی فراوان با آسیای مرکزی داشته است. نفوذ گسترده فرهنگی به ویژه آیین‌های ایرانی مانند نوروز در این نواحی و گستردگی و حضور مشخص زبان فارسی نشان‌دهنده این موضوع است. استقلال کشورهای منطقه می‌توانست فرصت مناسبی برای ایران باشد؛ اما تهران نتوانست در این موضوع موفقیت قابل ملاحظه‌ای به دست آورد. به ویژه اینکه تمایل ایران به گسترش روابط بر مبنای هویت اسلامی سبب بدبینی حاکمان غیردینی منطقه می‌شد و امکان استفاده از فرصت‌ها را محدود می‌کرد. ایران هزاره جدید را نیز با افزایش دشمنی در هر سه سطح ممکن آغاز کرد. در سطح داخلی با ایدئولوژیک‌تر شدن حکومت ایران، اتهام‌های حقوق بشری علیه این کشور افزایش یافت و حتی به تحریم‌هایی نیز انجامید. در سطح منطقه‌ای گسترش نفوذ ایران در منطقه، به ویژه در عراق، سوریه و لبنان، مشکلات ایران و کشورهای عربی را که از اوایل انقلاب اسلامی آغاز شده بود تشدید و تعمیق کرد. در سطح جهانی با آغاز دوباره برنامه هسته‌ای، کشمکش ایران و قدرت‌های جهانی افزایش یافت و این کشور در موقعیت دشواری قرار گرفت. ایران فرصتی برای پرداختن به آسیای مرکزی نداشت. با ایدئولوژیک‌شدن هرچه بیشتر سیاست خارجی ایران، نفوذ فرهنگی این کشور کاهش می‌یافت. هم‌زمان با افول آثار فرهنگی ایران در منطقه، شاهد گسترش حضور ترکیه بوده‌ایم. همان‌طور که گفته شد این کشور با تکیه بر هویت مشترک ترکی و گسترش باورهای پان‌ترکی برای یکپارچه‌سازی منطقه و نفوذ در این کشورها می‌کوشید. گسترش باورهای پیوسته‌گرایانه ترکی علاوه بر تهدید یکپارچگی ایران با توجه به اقلیت بزرگ آذری، جایی برای حضور این کشور در آینده منطقه باقی نمی‌گذارد. بسیاری از نمادهای فرهنگی ایرانی منطقه نیز در حال تبدیل شدن به نمادهای ترکی است که می‌تواند تاریخ چندهزار ساله حضور فرهنگی ایران در منطقه را با خطر مهمی روبه‌رو کند.

حوزه اقتصادی و سیاسی نظامی

ایران نیز مانند ترکیه به سهم‌شدن در طرح‌های انرژی و حمل و نقل منطقه علاقه بسیاری دارد. در حوزه انرژی ایران در ژئوپلیتیک انرژی موقعیتی استثنایی دارد. این کشور علاوه بر منابع فراوان، بندرهایی با دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد دارد. همچنین منابع انرژی و جایگاه

مهمی در شمال تنگه هرمز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی دارد. هم‌مرزی ایران از شمال و از مسیر ترکیه با اروپا و از جنوب شرق با پاکستان و هند، دو منطقهٔ پرجمعیت بدون منابع سوخت فسیلی به‌ویژه گازی، فرصت مناسبی را برای صادرات انرژی به این کشورها به‌ویژه از راه خط لوله فراهم کرده است. ایران از شمال شرق با کشورهای غنی از انرژی آسیای مرکزی مرز مشترک دارد که علاقه‌مند به صادرات انرژی خود به دیگر نقاط جهان هستند. اقدامی که خود به‌دلیل محدود بودن در خشکی توانایی انجام آن را ندارند. ایران در حد واسط کشورهای مصرف‌کننده و تولیدکنندهٔ انرژی قرار گرفته است. در حالی که خود نیز منابع قابل ملاحظهٔ انرژی دارد.

در حوزهٔ حمل و نقل نیز ایران به‌واسطهٔ جایگاه ژئواستراتژیک خود در طول تاریخ از اصلی‌ترین راه‌های بازرگانی بوده است. دسترسی به دو دریا در شمال و جنوب و قرارگرفتن در میان دو قارهٔ آسیا و اروپا از شرق به غرب، فرصتی فوق‌العاده برای این جغرافیا محسوب می‌شود. کشورهای آسیای مرکزی نیز با توجه به دسترسی نداشتن به آب‌های آزاد و علاقه به اتصال به سایر نقاط جهان با توجه به منابع غنی خود، همواره در پی یافتن کوتاه‌ترین مسیر برای دسترسی به بازارهای هدف بوده‌اند. مهم‌ترین طرح در این زمینه، پیوسته‌سازی ایران به کمربند زمینی ابتکار یک کمربند و یک راه است. برای گسترش ارتباط بین کشورها و برای جلوگیری از استفادهٔ سیاسی یک کشور از مسیر انتقالی، چین بیشتر به متنوع‌کردن راه‌های بازرگانی تمایل دارد. بنابراین بحث راه زمینی برای راه‌گذر میانی از مسیر ایران می‌تواند منطقی باشد. به‌ویژه اینکه ایران زیرساخت‌های لازم برای آن را دارد. راه آهن ایران و ترکمنستان در اواخر دههٔ ۱۹۹۰ تکمیل شد. ایران در سال‌های اخیر برای گسترش روابط خود با قزاقستان به‌ویژه در زمینهٔ ارتباط خط آهن تلاش‌هایی کرده است. در سفر گروه بلندپایهٔ قزاق به تهران و دیدار رئیس راه آهن این کشور با رئیس شرکت راه آهن ایران، در این زمینه توافق‌نامه‌ای شد. کمتر از یک ماه بعد نیز نخستین قطار کانتینری از قزاقستان به‌سوی ترکمنستان و سپس از شبکهٔ خط آهن داخل ایران به اروپا رفت (aa zakhaaan's ftttt tonnnn...., 2022).

دیگر راه‌گذر مهم برای ایران به‌ویژه در شرایط کنونی، مسیر شمال‌جنوب است. اجرای این طرح در سال ۲۰۰۰ با توافق روسیه و هند و با اضافه شدن ایران و جمهوری آذربایجان آغاز شد. هند بنابراین راه‌گذر از بندر جواهرلعل نهرو^۱ بزرگ‌ترین بندر کانتینری خود در شرق بمبئی، به بندر چابهار یا بندرعباس متصل می‌شود. سپس از مسیر این کشور به روسیه و شمال اروپا می‌پیوندد. هدف این طرح بلندپروازانه اتصال هند به‌عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی و تولیدی از مسیر ایران به روسیه و اروپا است. البته راه‌گذر شمال‌جنوب علاوه بر بال غربی، یک راه شرقی نیز دارد که سبب اتصال هند به کشورهای آسیای مرکزی می‌شود. در همین

^۱. Jawaharlal Nehru Port

زمینه شاهد سرمایه‌گذاری ۴۳۵ میلیون دلاری این کشور در بندر چابهار بوده‌ایم (Norali & Ahmadi, 2021). ایران اقدام‌های خود در تکمیل راه آهن داخلی را افزایش داده است که از آن جمله، تلاش برای تکمیل راه آهن زاهدان به کرمان و رشت به آستارا است. از این راه‌گذر، ایران با اتصال جنوب آسیا به آسیای مرکزی و اروپا و روسیه مزایای زیادی به دست می‌آورد. اما در هر دو حوزه، ایران رقیبی قدرتمند به نام ترکیه دارد. همان‌طور که گفته شد در این دو حوزه تلاش‌های بسیاری کرده است. راه‌گذر زنگزور که ترکیه با حمایت جمهوری آذربایجان برای راه‌اندازی آن تلاش بسیاری می‌کند، می‌تواند به معنای تضعیف و شاید حذف ایران از راه‌گذرهای شرق به غرب باشد. بحث مطرح‌شدن خط لوله وراخزر نیز می‌تواند موقعیت ایران در ژئوپلیتیک انرژی را به شدت تضعیف کند. در این دو حوزه، حضور ترکیه در آسیای مرکزی می‌تواند به معنای حذف ایران از راه‌گذرهای آینده و حتی تضعیف و تحلیل ژئوپلیتیک کشور باشد.

نتیجه

با استقلال کشورهای آسیای مرکزی، شاهد علاقه‌مندی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به آسیای مرکزی بوده‌ایم. ایران و ترکیه از همان روزهای آغازین برای افزایش نفوذ خود در منطقه تلاش‌های جدی آغاز کردند. ترکیه با تکیه بر هویت ترکی مشترک همواره برای حضور فعال در منطقه تلاش کرده است. ایران نیز همواره در طول تاریخ با منطقه رابطه پویایی داشته است که تا زمان حال نیز ادامه دارد. در این نوشتار پیامدهای حضور ترکیه در آسیای مرکزی بر ایران دنبال شده است. پس از مطرح‌کردن پرسش خود برای یافتن پاسخ به بررسی پیشینه پژوهش پرداخته شد. اما با وجود پرداختن به حضور این کشورها در منطقه در برخی مقاله‌ها، پژوهش مشخصی در رابطه با پیامدهای حضور ترکیه در آسیای مرکزی بر ایران موجود نیست. بنابراین برای یافتن پاسخ به نظریه‌ها مراجعه شد. بدین منظور خوانش‌های نوین از ژئوپلیتیک برگرفته از نوشته‌های محی‌الدین مصباحی را به عنوان مبنای نظری انتخاب شد. بر این اساس، فرضیه‌ای را در نظر گرفته شد که بنا بر آن حضور ترکیه در آسیای مرکزی به حذف ایران از راه‌گذرهای حمل و نقل و انرژی منطقه و تهدید یکپارچگی ارزی ایران به دلیل گسترش پان‌ترک‌گرایی منجر می‌شود. سپس تلاش شد با استفاده از روش پژوهش «روندپژوهی» پاسخ پرسش یافته و فرضیه اثبات شود. بدین منظور حضور ترکیه در منطقه و پیامدهای آن بر ایران را بررسی شد.

حضور ترکیه در آسیای مرکزی در هر سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پیامدهایی در هر سه حوزه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی نظامی برای ایران در منطقه دارد. در حوزه اقتصادی ترکیه با پیوستن به ابتکار یک کمربند و یک راه و با دورزدن ایران علاوه بر استفاده از برتری‌های ناشی از حق حمل و نقل و با جذب سرمایه‌های چینی، سبب تقویت زیرساخت‌های

خود می‌شود. سرمایه‌هایی که به‌جای ایران به‌سوی طرح‌های ترکی سرانجام می‌شود. علاوه بر آن در حوزه ژئوپلیتیک یا سیاسی نظامی دورزدن ایران در هر دو مسیر شرق به غرب و شمال به جنوب، چه در حوزه حمل و نقل و چه انرژی سبب تضعیف موقعیت راهبردی ایران و فرسایش ژئوپلیتیک آن می‌شود. از سویی، با گسترش ایده‌های پیوسته‌سازی گرایانه و پان‌ترکی در جهت همگرایی بیشتر با منطقه علاوه بر تهدید علیه یکپارچگی ایران با ترکی کردن فضا، جایی برای حضور ایران در منطقه باقی نمی‌ماند که این پاسخ به‌نوعی فرضیه ما را اثبات می‌کند.

References

- Alrmizan, Mohammed (2022), **Turkish Foreign Policy in Central Asia in the Era of Erdoğan: The Convergence of Pan-Turkism, Pragmatism, and Islamism**, King Faisal Center for Research and Islamic Studies, Available at: <https://hal.science/hal-03696308/>, (Accessed on: 23/07/2023)
- Aydin, Mustafa (2004) "The Pendulum: Turkey in Central Asia and the Caucasus", **Turkish Studies**, Vol. 5, No. 2, pp. 1-22, (doi: 10.1080/1468384042000228576)
- Balcer, Adam (2012), "Between Energy and Soft Pan-Turkism: Turkey and the Turkic Republics", **Turkish Policy Quarterly**, Vol. 11, No. 2, pp.151-162, Available at: http://turkishpolicy.com/pdf/vol_11-no_2-balcer.pdf, (Accessed on: 15/04/2023)
- Cagaptay, Soner (2019), **Erdogan's Empire: Turkey and the Politics of the Middle East**, London: I. B. Tauris
- Dvvt ggl, Ammt (2009), **Turkic Republics since Independence: Towards a Common Future**, Atatürk Center for Strategic Research, Available at: <https://www.ceeol.com/search/gray-literature-detail?id=330103>, (Accessed on: 16/01/2021).
- Dv tt ggg, mmt (2001), **Strategic Depth: Turkey's Position in the International Scene**, Translation: Mohammad Hossein Nohinejad Momghani, Tehran: Amir Kabir [in Persian].
- Ebrahimi, Morteza and Navakhti Moghaddam, Amin and Ghasem Osuli (2020), "The Determinative Factors of Iran's Relation with the Central Asian Republic from Political Economy Perspective (Case Study: Turkmenistan and Tajikistan)", **Central Eurasia Studies**, Vol. 13, No. 2, pp. 325-344, (doi: 10.22059/jcep.2020.301612.449922) [in Persian].

- rrr ğğğnn in Uzkkkittnn” (2016), **Anadolu Agency**, Available at: <https://www.aa.com.tr/fa/pg/ازبکستان-در-اردوغان-عکس-گالری->, (Accessed on: 23/06/2023) [in Persian]
- ğğğğğğ Calls to Start wrrk nn eeiii gg Turkmen Gas to Western Markets” (2))) , **Daily Sabah**, Available at: <https://www.dailysabah.com/business/energy/erdogan-calls-to-start-work-on-sending-turkmen-gas-to-western-markets> ,(Accessed on: 23/08/2023)
- şşş,,, mmre (2222)”” Turkyy and the Eurasian Integration: Ideology or aaagmtt imm” **Vestnik RUDN, International Relations**, Vol. 22, No.1, pp.111-125, (doi: 10.22363/2313-0660-2022-22-1-111-125)
- Foster, John Bellamy (2006)””Tee NwwGoooolitiss ff mnii r””, **Monthly Review**, Vol. 57, No. 8, pp. 1- 18, (doi: 10.14452/MR-057-08-2006-01_1).
- Gordon, Theodore (1994),” Trddd Impact Analysis”, **Futures Research Methodology**, Available at: <https://www.foresight.pl/assets/downloads/publications/Gordon1994-Trendimpact.pdf>, (Accessed on: 16/01/2021).
- Golmohammadi, Vali (2019), **Perception of Leaders and Developments in Türkiye's Foreign Policy 2002-2018**, Tehran: Supreme National Defense University [in Persian].
- Hunter, Shireen (2001), “Turkey, Central Asia, and the Caucasus: Ten Years after Independence”, **Southeast European and Black Sea Studies**, Vol. 1, No. 2, pp. 1-16, (doi:10.1080/14683850108454634)
- Hmnozgggl,, Hll it (2222), ” Turkyy-Uzbekistan Relations: Strategic Cooperation and Partnership Türkiye,, **International Journal of Social Sciences**, Vol. 6, No. 2, pp. 313-329, Available at: https://www.researchgate.net/profile/Halit-Hamzaoglu/publication/364112044_Turkey-Uzbekistan_Relations_Strategic_Cooperation_and_Partnership/links/633a8e609cb4fe44f3f91fa4/Turkey-Uzbekistan-Relations-Strategic-Cooperation-and-Partnership.pdf, (Accessed on: 15/02/2023).
- Kavalski, Emilian (2010), **New Central Asia: The Regional Impact of International Actors**, Translation: Fardin Eftekhari, Tehran: Mokhatab [in Persian].
- Kassimeris, Christos (2010), " Turkey's Foreign Policy Options: Europe, the USA or Central Asia? “**Contemporary Politics**, Vol. 16, No. 3, (doi: 10.1080/13569775.2010.501653)

- KKzzkttt ,, Türkiye to Bring Mutual Trade Turnover to \$10 Billion in Mid-Term “(2022), **The Astana Times**, Available at: <https://astanatimes.com/2022/10/kazakhstan-turkiye-to-bring-mutual-trade-turnover-to-10-billion-in-mid-term/>, (Accessed on: 23/06/2023)
- KKzzkttt " s rrrst Cnntiirrr Train Left for Europe from Tehran Station” (2022), **Mehr News Agency**, Available at: mehrnews.com/xXVsN (Accessed on: 23/04/2023) [in Persian].
- Khanmohammadi, Mohammad Hadi and Arash Reisinezhad (2023),”Türkiye's Blue Homeland Doctrine" and Its Consequences for Ir””, **Central Eurasia Studies**, Vol. 16, No. 1, pp. 125-147, (doi: 10.22059/jcep.2023.354528.450125) [in Persian].
- Kuryshzhan, Dana, and Halil Altintas) 2022), “Foreign Trade between Kazakhstan and Türkiye”, **International Journal of Volga-Ural and Turkestan Studies**, Vol. 4, No. 8, Available at: <https://dergipark.org.tr/en/pub/ijvuts/issue/72407/1158918> , (Accessed on: 23/06/2023)
- Koolee,, aaahhh add Yuueef Bggrrr i (2))) , Irnn and Turkey's Cultural Dill mnöcy Clll lggss in Cttt rll Asi””, **Central Eurasia Studies**, Vol. 15, No. 2, pp. 289-313, (doi: 10.22059/jcep.2020.305304.449939) [in Persian].
- Landau, Jacob (1995), **Pan-Turkism: From Irredentism to Cooperation**, Translation: Hamid Ahmadi, Tehran: Nashr Ney [in Persian].
- Mesbahi, Mohiaddin (1997), “Tajikistan, Iran, and the International Politics of the 'Islamic Factor””, **Central Asian Survey**, Vol.16, No. 2, pp. 141-158 (doi: 10.1080/02634939708400980)
- Mesbahi, Mohiaddin (2004), "Iran and Central Asia: Paradigm and Policy", **Central Asian Survey**, Vol. 23, No. 2, (doi: 10.1080/02634930410001310508)
- ee bbii , hhh idddin (211),” rree mnd Cfff i::: Irnn ddd tee Itt rrrttt iaal yyttmm, **Iranian Review of Foreign Affairs**, Vol. 2, No. 5, pp. 9-34, (doi: 20.1001.1.20088221.2011.2.5.1.9).
- Moradi, Farhang (2011), “Iran Ambitions for Regional Supremacy: The Great Powers, Geopolitics and Energy Resources”, **Journal of the Indian Ocean Region**, Vol. 7, No. 1, pp. 75-94, (doi: 10.1080/19480881.2011.587332)
- Noorali, Hassan and Abbas Ahmadi (2222), aaaa lyii s ff Ir" s Glllll Itiaal Rll e in Itt rraatiolll Crr rirrr ””, **Human Geography Research**, Vol. 54, No. 3, pp. 1161-1187, (doi:10.22059/JHGR.2022.331764.1008388) [in Persian].

- Or,, Bakkan (2013), **Turkish Foreign Policy: Patterns, Documents and Interpretations 2001-2012**, Translation: Zhale Abdi, Tehran: Publishing Department of the Ministry of Foreign Affairs [in Persian].
- ttt roy,, Tatvvik ())))) TThe Blt ddd Rddd Iii tiative ddd tee TThree aaas yyttmm, **Analytical Bulletin by the CCCS Foundation**, Vol. 14, pp. 43-72, (doi: 10.56673/18294502-22.14-43)
- sss t oooort Train Haass frmm Trr kyy to Cii n”” (00))) , **Anadolu Agency**, Available at: <https://www.aa.com.tr/en/economy/1st-export-train-heads-from-turkey-to-china/2065736>, (Accessed on: 23/07/2023)
- Salavarzi Zadeh, Saleh and Jahangir Karami (2023), “Analysis of the Foreign Policy Trend of the Islamic Republic of Iran towards Uzbekistan; Drivers, Strategies and Scenarios”, **World Politics**, Vol. 12, No. 1, pp. 133-165, (doi: 10.22124/wp.2023.23393.3110) [in Persian].
- mmmmzz, Gkktug ())))) “Eurasian Energy Security in the Face of Russo-Ukrii ii nn Teiii sss ddd Trr kyy’s Role as a Potential Energy Hub,, **Eurasian Research Journal**, Vol. 3, No. 2, Available at: <https://dergipark.org.tr/en/pub/erj/issue/60127/871176>, (Accessed on: 23/05/2023)
- Shayan ,Fateme and Mohammad Ali Basiri (2022), "An Analysis of Energy Relationship among Iran, Turkmenistan and Turkey from the Perspective of Regional Integration", **Central Eurasia Studies**. Vol.15, No. 2, pp. 241-263, (doi: 10.22059/jcep.2023.349822.450106), [in Persian]